

رویکرد روسیه در قبال جهان اسلام پس از انقلاب‌های عربی: تداوم یا تغییر سیاست‌ها

سید رزاق مقیمی^۱، داوود کیانی^۲، مهدی جاودانی مقدم^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳

چکیده: در پی انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ و شکل‌گیری ترتیبات جدید در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه خاورمیانه، روسیه تلاش کرد سیاست متوازنی نسبت به کشورهای اسلامی در پیش گرفته و در عین تقویت روابط با آنها، از ایجاد تنش با آنان پرهیز نماید. هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی روسیه در قبال جهان اسلام، پس از انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ و پاسخ به این پرسش است که مؤلفه‌های اصلی سیاست خارجی روسیه در قبال جهان اسلام به ویژه نسبت به کشورهای منطقه خاورمیانه کدامند؟ فرضیه اصلی که مورد آزمون قرار گرفته، این است سیاست خارجی روسیه در قبال جهان اسلام به ویژه پس از وقوع انقلاب‌های عربی در خاورمیانه، بر مبارزه با بنیادگرایی دینی، پرهیز از ورود به شکاف‌های مذهبی شیعه - سنی و تلاش برای بهبود تصویر روسیه در میان جوامع اسلامی سنی مذهب مبتنا داشته است. در نوشتار حاضر، تلاش شد به روش توصیفی - تحلیلی و در قالب چارچوب نظری سازه‌انگاری، تحلیلی نسبتاً متمایز از ماهیت روابط روسیه با جهان اسلام در مقطع پس از انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ ارائه گردد.

واژگان اصلی: انقلاب‌های عربی، جهان اسلام، خاورمیانه، روسیه، سوریه.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران

۲. دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران (نویسنده مسئول)

dkiani@outlook.com

۳. استادیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

مقدمه

روابط روسیه و جهان اسلام فارغ از الزامات ناشی از همجواری جغرافیایی، سوابق تاریخی، همکاری های اقتصادی و روابط دو جانبه با کشورهای اسلامی، همواره یکی از مسائل مورد توجه در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و چه به لحاظ تاریخی و چه به لحاظ یکی از موضوعات جاری، در کانون توجه تحلیل گران و ناظران سیاسی قرار دارد. روابط روسیه با کشورهای اسلامی همیشه برای افکار عمومی این کشورها حائز اهمیت بوده و همواره ابعادی از آن، دارای ابهام و ناشناختگی است. پرسش های فراوانی درباره چرایی فراز و نشیب روابط آنها وجود دارد و پاسخ به آن، به مثابه حل معمای ذهنی برای مخاطبان خواهد بود.

جهان اسلام شامل ۵۷ کشور مسلمان نشین دنیا، بیش از آن که بیانگر یک موقعیت جغرافیایی باشد، معرف هویت بیش از یک و نیم میلیارد انسان است که دارای آیین و دین مشترک هستند. مناسبات کشور روسیه با جهان اسلام دارای تاریخ پرفراز و نشیبی می‌باشد؛ در برخی از مقاطع روابط حسنه و در برخی مقاطع تیره بوده است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نقطه عطفی برای تغییر نظم بین الملل از دو قطبی به تک قطبی و تلاش فدراسیون روسیه برای به دست آوردن ثبات و امنیت بود. روسیه در جستجوی هویت از دست رفته خویش به این واقعیت دست یافت که سیاست دنباله روی از غرب، موجب سرخوردگی هر چه بیشتر مسکو در سطح داخلی و خارجی شده است. روی کار آمدن ولادیمیر پوتین و اتخاذ رویکرد اوراسیاگرایی از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد، آغاز دوره نوینی در روابط روسیه و جهان اسلام بود. پوتین در اولین ماه‌های به قدرت رسیدن خود، بیشتر، جهت گیری‌های ضد آمریکایی و ملی گرایانه را دنبال می‌کرد و اگر چه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با آمریکا و ناتو در حمله نظامی به افغانستان همکاری نمود اما در سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ در مقابل گسترش ناتو به شرق، برنامه بوش برای استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی و نیز روی کار آمدن دولت های طرفدار غرب در گرجستان و اوکراین و... به تقویت همکاری با کشورهای جهان اسلام روی آورد. در شرایطی که روسیه از کاهش نفوذ جهانی خود بیمناک بود، سیاست نزدیکی به کشورهای اسلامی برای روسیه، نه فقط یک انتخاب، بلکه یک اضطرار بود. در همین چارچوب روسیه تلاش کرد روابط خود را با جهان اسلام تقویت کند و وزن بیش تری به این روابط قائل باشد. بر این اساس، روسیه با داشتن بیش از ۲۵ میلیون مسلمان و به عنوان عضو ناظر سازمان همکاری اسلامی از سال ۲۰۰۵ میلادی، نه تنها خود را بخشی از جهان ارتدوکس، بلکه بخشی از جهان اسلام به حساب آورد. از سوی دیگر، اتخاذ سیاست اوراسیاگرایی در دوران پوتین، دریچه جدیدی را به

جایگاه جهان اسلام در سیاست خارجی روسیه گشود و موجب جلب توجه روسیه به کشورهای اسلامی حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و منطقه خاورمیانه شد.

با وقوع خیزش های عربی در سال ۲۰۱۱ و به دنبال آن شکل گیری ترتیبات جدیدی در معادلات سیاسی و امنیتی در بخشی از جهان اسلام، دوران جدید روابط روسیه با کشورهای اسلامی شروع شد. حاصل تحولات پس از انقلاب های عربی، شکل گیری دسته بندی های جدیدی در سطح منطقه ای و بین المللی به ویژه پیرامون بحران سوریه بود؛ اگر چه در جریان انقلاب های عربی، ابتدا مواضع روسیه و غرب در برابر تغییرات به وجود آمده در تونس و مصر تقریباً مشابه بود اما وقوع جنگ داخلی در لیبی و سپس کمک نظامی ناتو به مخالفان دولت قذافی که روابط خوبی با روسیه داشت، به اختلاف های میان روسیه و غرب در مواجهه با انقلاب های عربی دامن زد و در مورد سوریه، مواضع روسیه و غرب به طور کلی در دو قطب متضاد قرار گرفت. در بحران سوریه، از یک سو، بازیگرانی چون آمریکا، عربستان سعودی، ترکیه و برخی از کشورهای عربی، خواستار کناره گیری و سرنگونی بشار اسد بوده و از سوی دیگر، کشورهایی مانند روسیه و ایران، ضمن حمایت از دولت سوریه، بر مبارزه با تروریست های تکفیری و معارضان مسلح تاکید کردند و به همکاری بی سابقه دفاعی - امنیتی و سیاسی با یکدیگر در این زمینه به ویژه از سال ۲۰۱۴ به بعد پرداختند. با وجود اینکه ایران تأثیر به سزایی در تحولات جهان اسلام داشته و همکاری با این کشور، می تواند موازنه لازم را برای روسیه در محیط پیرامونی خود به وجود آورد اما برای روسیه بسیار مهم است که روابط دوستانه با همه کشورهای اسلامی از جمله عربستان را در سطوح دو جانبه و درون سازمان همکاری اسلامی تقویت نماید.

مسئله مهم پیرامون روابط روسیه و جهان اسلام، آن است که پس از وقوع انقلاب های عربی در سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۲۰، چه عواملی موجب شد تا روسیه سیاست متوازنی نسبت به جهان اسلام به ویژه کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه از جمله ایران و عربستان در پیش گرفته و در عین تقویت روابط با این کشورها، از ایجاد تنش با آنها پرهیز کند. پژوهش حاضر در تلاش است این مسئله را مورد واکاوی قرار داده و پاسخی مناسب برای آن ارائه نماید. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که: «مؤلفه های اصلی سیاست خارجی روسیه در قبال جهان اسلام به ویژه نسبت به کشورهای منطقه خاورمیانه کدامند؟» در پاسخ به سؤال اصلی، فرضیه اصلی پژوهش این است که «سیاست خارجی روسیه در قبال جهان اسلام به ویژه پس از وقوع انقلاب های عربی در خاورمیانه، بر

مبارزه با بنیادگرایی دینی، پرهیز از ورود به شکاف های مذهبی شیعه - سنی و تلاش برای بهبود تصویر روسیه در میان جوامع اسلامی سنی مذهب ابتننا داشته است».

در کتاب ها و مقاله هایی که طی چند سال اخیر در تحلیل سیاست خارجی روسیه نوشته شده، بیشتر به بررسی سیاست روسیه در خاورمیانه به ویژه بحران سوریه، پرداخته شده و رویکرد روسیه نسبت به کلیت جهان اسلام کمتر، مورد توجه قرار گرفته است. لذا در پژوهش حاضر تلاش شد با استناد به آخرین پژوهش های انجام شده و با در نظر گرفتن دوره پس از انقلاب های عربی سال ۲۰۱۱ به عنوان یک مقطع تاریخی و فصل جدیدی از روابط روسیه با کشورهای اسلامی و بهره گیری از نظریه سازه انگاری که هر دو سطح ساختار و کارگزار و عوامل مادی و معنوی (هویتی و فرهنگی) را مدنظر دارد، تحلیلی نسبتاً متمایز از رویکرد و سیاست روسیه نسبت به جهان اسلام ارائه گردد. بررسی و آزمون فرضیه اصلی این پژوهش، با استفاده از روش اثبات گرایی و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام می شود.

۱. چارچوب نظری

فروپاشی شوروی علاوه بر ایجاد تغییر در ساختار نظام بین الملل موجب شکل گیری فضای جدید در مناطق جهان شد، این فضای جدید آرایش سیاسی متفاوتی از دوران جنگ سرد را به دنبال داشت که موجب پدید آمدن خلأ قدرت، وقوع جنگ های داخلی و منطقه ای، خیزش هویت های خاص گرایانه و اهمیت یافتن نقش هنجارها، ارزش ها و انگاره ها در مناسبات بین المللی شد. از طرف دیگر ساختار قدرت در دوره نوین با تغییراتی اساسی روبرو شد؛ به گونه ای که مؤلفه فرهنگی، قومی، ارزشی و انگاره هایی که تشکیل دهنده هویت می باشند، از اهمیت بیشتر و تعیین کننده تری برخوردار شده اند. این رویه، سازه انگاری را قادر ساخته تا موازینی را از مکاتب و رهیافت های مختلف برگرفته و ضمن رد برخی پایه های مکاتب، بعضی موازین آنها را بپذیرد. اگر مکتب رئالیسم، مادی گرا و مکتب ایدئالیسم معناگراست، سازه انگاری راهی میانه را برگزیده که تلفیقی از آن دو باشد؛ به عبارت دیگر آنها بر ابعاد مادی و غیر مادی حیات اجتماعی تأکید دارند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۳۵). براساس این دیدگاه، دنیای اجتماعی روابط بین الملل فقط بر مبنای ساختار مادی نظام بین الملل شکل نمی گیرد؛ بلکه هویت، نیروهای اجتماعی، زبان، انگاره ها و مفاهیم در تبیین و توضیح الگوهای رفتاری در سیاست خارجی نقش دارند (قوام، ۱۳۸۴: ۲۲۸).

نظریه سازه انگاری از فرانظریه هایی است که برخلاف جریان غالب در تحلیل پدیده های سیاسی، تلاش می کند تا نقش جریان های اجتماعی - فرهنگی در شکل گیری رفتار دولت در عرصه روابط بین الملل را واکاوی کند. سازه انگاری دولت ها را تنها کارگزار سیاست بین الملل نمی داند و همراه با آن نقش بازیگران غیردولتی و جریان های اجتماعی و فرهنگی را نیز در این زمینه مهم می داند. سازه انگاری از راه رهیافت سیاست هویت تلاش می کند تا نقش و تأثیر اجتماع های بین الازمانی مانند ملی گرایی، قومیت، هویت، مذهب، فرهنگ، جنسیت و دیگر گروه های اجتماعی را در رفتار سیاست خارجی کشورها توضیح دهد (ونت، ۱۳۸۴: ۱۶۷ - ۱۶۸). سازه انگاران با بحث در مورد بنیان های غیرمادی، فرض های جریان اصلی را رد می کنند و مفهوم «معانی» را در مرکز درک اقدام اجتماعی قرار می دهند (Hopf, 1998:191).

نکته اصلی این نظریه، تأثیر و تأثر متقابل ساختار بر کارگزار و کارگزار بر ساختار است. در سازه انگاری، واقعیت به عنوان یک برساخته بیناذهنی اجتماعی و حاصل تعامل ساختار و کارگزار در نظر گرفته شده است. بازیگران بر حسب معانی ذهنی زبان و تلقی خود که برآمده از محیط داخلی آنهاست دست به کنش می زنند البته به نحو متقابل ساختار هم، هویت و منافع آنها را تحت تأثیر قرار می دهد. از دیدگاه الکساندر ونت، به عنوان موثرترین شخصیت نظریه سازه انگاری در روابط بین الملل، هر کدام از دولت ها در نظام بین الملل نوعی هویت، برای خودشان تعریف می نمایند که به رفتار آنها شکل داده و پیش بینی رفتار آنها را امکان پذیر می کند. این هویت که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت ها شکل گرفته، عاملی موثر در تصمیم گیری های سیاست خارجی است. البته هویت های درونی دولت ها، ازلی و ابدی نیستند و ممکن است در رهگذر زمان باز تعریف شوند یا تغییر نمایند. دیدگاه رایج در بررسی گفتمان سیاست خارجی روسیه، استفاده از نظریه های اثبات گرا است که نقش عنصر هویت در تکوین منافع ملی و سیاست خارجی را در نظر نمی گیرند. به گفته الکساندر ونت، هویت دولت ها که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت ها شکل گرفته، رفتار کشورها در صحنه نظام بین الملل را شکل می دهد (Wendt, 2005: 326). سازه انگاران معتقدند هویت، کیستی دولت ها را می سازد و برتری ها و منافع کشورها را شکل می دهد. هویت امری ثابت نیست و دستخوش تحول می شود، در نتیجه رفتار بیرونی کشورها نیز تغییر می کند (Wendt, 2005: 329). سازه انگاری، تأثیر عامل های مادی را نادیده نمی گیرد؛ بلکه معتقد است جنبه های فرهنگی، هنجارها و هویت ها به شدت، عامل های مادی را تحت تأثیر قرار می دهند (Wendt,

137: 1999). هر کشوری در شرایط اجتماعی متمایز عمل می کند و نگرانی های منحصر به فردی دارد. به همین دلیل، جهان را به شیوه خاص خود در نظر می گیرد. هویت دولت ها یعنی گرایش های شناختی، عواطفی و ارزیابی نسبت به «خود» و «دیگری»، بر ادراک آنها از تهدیدها و فرصت ها تأثیر می گذارد. ونت معتقد است میان هویت، تصمیم و کنش بازیگران، رابطه مستقیم وجود دارد. بنابراین هر بازیگری در ارتباط با دیگران، برداشت های خاص خود را دارد و بر اساس آنها، انگاره های خود و دیگری شکل می گیرد (Wendt, 2005: 328).

بر اساس نظریه سازه انگاری، منطق حاکم بر سیاست خارجی روسیه فقط مبتنی بر قدرت مادی، آن گونه که واقع گرایان اعتقاد دارند، نیست و عوامل دیگری چون باورها، هویت، فرهنگ و تاریخ بر منافع ملی و سیاست خارجی روسیه تأثیر می گذارد. لذا برای بررسی رفتار سیاست خارجی روسیه، ضمن توجه به مصادیق قدرت مادی این کشور، باید به شناخت کارگزاران، احزاب، گروه ها و جریان های سیاسی و اجتماعی آن نیز پرداخت. راهبرد سیاست خارجی روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، به ویژه در دوران پوتین را نمی توان فقط با تکیه بر نظریه های اثبات گرا که اتکایشان توجه به مسائل مادی در شکل گیری منافع ملی و کنش خارجی کشورهاست، تجزیه و تحلیل کرد. در این دوران، هویت روسیه به عنوان عاملی مهم در تکوین منافع و سیاست خارجی این کشور نقش داشته است. هویت، مجموعه ای از باورها در مورد خود، دیگران و روابط میان آنها است (Fearon & Wendt, 2005: 64). لذا برای تأمل در سیاست خارجی روسیه، باید به تجزیه و تحلیل مسائل داخلی روسیه، درک سنت های تاریخی و سیاسی، فرهنگ و هویت روسی پردازیم (Ermolaeva, 2016: 190).

۲. پیشینه تاریخی روابط روسیه و جهان اسلام

فدراسیون روسیه در قسمت شرقی اروپا و بخش شمالی آسیا واقع شده و همزیستی طبیعی و روابط متقابل میان اسلاوها (اکثرا روس ها) و مردم ایران، قفقاز و ترکیه، تعامل مثبتی میان روس ها و مسلمانان بنیان گذاشته و بدین ترتیب عناصر آسیایی و اسلامی در هویت روسی راه یافته است. بر خلاف بسیاری از کشورهای اروپایی که مسلمانان، اکثرا مهاجرند، جوامع مسلمانان روسیه بومی بوده و دارای مرجع جغرافیایی روشن و سنت های عمیق قومی هستند (Ярлыкапов, 2016). در مورد ورود اسلام به روسیه نمی توان تاریخ دقیقی تعیین کرد. هجوم اعراب به سرزمین ایران در زمان

ساسانیان بین سال های ۶۵۰ تا ۸۰۰ میلادی اتفاق افتاد که طی آن، ماورای قفقاز نیز به زیر سلطه آنها درآمد و مردم به اسلام گرویدند. با توجه به این که محدوده ای از ماورای قفقاز امروز جزئی از سرزمین روسیه به شمار می رود، می توان ظهور اسلام در این سرزمین را حدود دوازده قرن قبل دانست. به این ترتیب می توان گفت اولین مسلمانان، زمانی در روسیه حضور داشتند که دولت روسیه به معنای امروزی وجود نداشت (Amaliah Team, 2019).

از اواخر قرن هفتم، اسلاوهای دنیپر میانه، که بعدها مبنای دولت روسیه را تشکیل دادند، با مسلمانان عرب، قراردادهای و مناسبات منظمی برقرار کردند. در قرن چهاردهم، یعنی در دوره مغول، اسلام با تاریخ روسیه آمیخته شد. تبعیت دراز مدت روسیه از نظام های سیاسی و اقتصادی مغول موجب افزایش تعامل میان روسیه و فرهنگ سیاسی آسیا شد که این هم به نوبه خود از قرن چهاردهم وجهه اسلامی به خود گرفت. از اواخر قرن ۱۵، مرزهای روسیه به سوی شرق و جنوب گسترش یافت. آشفتگی و هرج و مرج طلبی های پس از مرگ ایوان مخوف در سال ۱۵۸۴ به ظهور خاندان سلطنتی جدید رومانوف در سال ۱۶۱۳ انجامید و این کشور در تنظیم روابط با ملیت های درون مرز خود تحت تأثیر روابط با دیگر دولت های توسعه طلب اروپایی قرار گرفت. بدین ترتیب، مقامات دولت مرکزی روسیه رفتار خفت باری نسبت به اسلام در پیش می گیرند. این نگرش با گرایش اجباری مسلمانان به مسیحیت، تعطیل یا انهدام مساجد، مدارس و دیگر اماکن مذهبی اسلامی و غصب اموال وقفی همراه می شود. از سال ۱۷۸۲ کریمه به امپراتوری روسیه پیوست و روسیه ادعاهایش در مورد قفقاز را که از قرن ۱۶ موضوع اختلاف میان ایران و ترکیه بود، مطرح کرد. در پی جنگ های متعددی که میان روسیه با ایران و ترکیه در گرفت، روسیه در قسمت های مختلفی از قفقاز سلطه خود را تثبیت کرد. پیامدهای منفی ناشی از نگرش «کلاسیک» استعماری برای تمامیت ارضی روسیه، حاکمان روسیه را بر آن داشت تا سیاست های خود را نسبت به مسلمانان حاشیه امپراتوری تا حد قابل ملاحظه ای تعدیل کنند. به دنبال تعیین مرزهای مناطق نفوذ روسیه و بریتانیا در سال ۱۸۹۵ وضع جغرافیایی - سیاسی ثابتی برقرار شد و توسعه طلبی های روسیه در آسیا پایان پذیرفت. بدین ترتیب، روسیه در پایان قرن نوزدهم به یک امپراتوری پهناور چندملیتی و چندمذهبی قاره ای تبدیل شد که حداقل یک چهارم جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می دادند. با اینکه امپراتوری روسیه در قرن نوزدهم یکی از مستبدترین دیکتاتورهای دنیا بود اما ارزش عمومی سیاسی و اخلاقی آن نزد مسلمانان خاورمیانه به نحو قابل ملاحظه ای بیشتر از کشورهای دموکراتیک اروپایی بود. اجتناب روسیه از مشارکت در این

مستعمرات بر مقام و عظمت آن افزود و در اوایل قرن بیستم، اعتبار اخلاقی روسیه نزد اعراب، بسیار بیشتر از اعتبار غربی‌ها بود (یمیلیانوا، ۱۳۷۶: ۹۲ - ۱۰۰).

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به مناسبات میان روسیه سوسیالیست و دنیای اسلام به لحاظ ایدئولوژیکی بعد جدیدی داد. چهره مثبت روسیه شوروی نزد دنیای اسلام به سبب برخورد عادلانه رسمی و بی‌سابقه آن با کشورهای مسلمان تقویت شد. در سال ۱۹۲۰، دولت شوروی از به رسمیت شناختن حکومت دست‌نشانده انگلستان در عراق، فلسطین، اردن و حکومت دست‌نشانده فرانسه در سوریه و لبنان سر باز زد. از اواخر دهه ۱۹۴۰، شوروی از خواسته‌های اخراج نیروهای بریتانیایی از مصر، مبارزات استقلال‌طلبانه الجزایر، تونس و مراکش و اعطای استقلال به لبنان، سوریه، و بعدها، لیبی حمایت کرد. حمایت صریح و قاطعانه شوروی از اعراب طی درگیری آنان با اسرائیل و دنیای غرب در سال‌های ۱۹۵۶-۱۹۸۲ و نیز همبستگی فعالانه آن با مبارزات فلسطینی‌ها برای شناخت رسمی حقوقشان و ایجاد یک دولت مستقل به محبوبیت عام شوروی در خاورمیانه منجر شد. مناسبات میان شوروی و اعراب به تدریج ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی به خود گرفت و هزاران متخصص نظامی و غیر نظامی شوروی، راهی آن کشورها شدند (یمیلیانوا، ۱۳۷۶: ۱۰۲ - ۱۰۴).

فروپاشی شوروی و پیدایش کشوری جدید به نام فدراسیون روسیه در چارچوب سیستم لیبرال دموکراسی، با توجه به حاکمیت نگرش غرب گرایانه بر سیاست خارجی روسیه که تا نیمه سال ۱۹۹۳ نیز به طول انجامید، توجه به غرب، بی‌اهمیت شدن آسیا و جهان اسلام را به دنبال داشت (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۸). اما علاقه مجدد مسکو به شرق اسلامی و امضای پیمان‌های دولتی میان روسیه و جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق، به اتحاد بیشتر میان این کشور و دولت‌های مسلمان انجامید. تشابه صوری تکامل تاریخی و فرهنگی روسیه و کشورهای مسلمان و نیز شباهت‌های اوضاع اقتصادی، اجتماعی و معنوی آنها، زمینه مساعدی برای برقراری مناسبات نزدیک‌تر میان آنها فراهم آورد (یمیلیانوا، ۱۳۷۶: ۱۰۵ - ۱۰۶).

۳. جایگاه اسلام و مسلمانان در سیاست خارجی روسیه

اسلام یکی از چهار آیین "ستی" روسیه است. مواجهه روس‌ها با اسلام به قرن‌ها قبل برمی‌گردد. در مناطقی از روسیه، اسلام قبل از مسیحیت در صحنه ظاهر شد. برخلاف بسیاری از کشورهای

اروپایی، جایی که مهاجرت به رشد جمعیت مسلمانان کمک می کند، مسلمانان روسیه مردم محلی هستند، جمعیتی با قدمت طولانی با سنت های قومی که قرن ها به عقب برمی گردند. هویت روسیه طی چندین قرن تقابل، همزیستی و همکاری با همسایگان مسلمان دگرگون شد. جمعیت مسلمانان در تمام بخش های سرزمینی فدراسیون روسیه وجود دارد. با این حال، مسلمانان قومی در هفت جمهوری از بیست و یک جمهوری غالب هستند. سایر مناطق روسیه نیز دارای جمعیت قابل توجهی از مسلمانان هستند. به طور طبیعی، ایده هایی که در سراسر بقیه جهان اسلام در جریان است، به جامعه مسلمانان روسیه نیز راه یافت، چه عقاید مترقی و چه تهاجمی. اگر چه تصور روسیه در جهان به ندرت با اسلام و هویت اسلامی همراه است، اما اسلام همیشه دومین دین بزرگ روسیه بوده است. اگرچه برآورد جمعیت بسیار متفاوت است، اما برخی منابع نشان می دهند که مسکو محل زندگی نزدیک به ۴ میلیون مسلمان است که مدت ها پیش از ظرفیت مساجد شهر فراتر رفته اند. روسیه، حدود ۲۰ میلیون مسلمان از نژادهای مختلف قومی را در خود جای داده است. بر اساس این داده ها، می توان ارزیابی کرد که روسیه بیشترین جمعیت اقلیت مسلمان را در کل اروپا دارد (Antúnez, 2016). طبق اطلاعات سال ۲۰۱۵، جمعیت کشور روسیه ۱۴۲،۴۲۳،۷۷۳ نفر است که از این تعداد حدود ۳۰ میلیون نفر مسلمان هستند. اکثر مسلمانان در روسیه به فرقه سنی پای بند هستند در حالی که شیعه (که ۳٪ مسلمانان را تشکیل می دهند) از شهروندان آذری تبار مستقر در داغستان تشکیل شده است. تعداد بالای مسلمانان در روسیه، اسلام را به دومین دین بزرگ این کشور تبدیل می کند و اگرچه این کشور مسلمان نیست، اما یکی از پنج کشور ناظر در سازمان همکاری اسلامی است (Karadere, 2017: 1).

مطالعه زندگی مسلمانان روسیه پس از سقوط شوروی سابق، به ویژه پس از سال ۲۰۰۰ میلادی، افزایش افراط گرایی در مسلمانان این کشور را نشان می دهد و حضور خیل گسترده مبارزان جهادی روس در مناطق مختلف جهان اسلام از جمله عراق و سوریه، شاهدی بر این مدعاست. گفته شده است که پس از زبان های عربی و انگلیسی، زبان روسی سومین زبان پرتکلم در میان این ستیزه جویان است. مبارزان روس تبار شمار قابل توجهی دارند و بنا بر گزارش های مسؤولان روسیه، رشدی فزاینده را تجربه کرده اند. به عنوان نمونه، در برخی منابع گزارش شده است که پنج هزار مبارز، فقط از داغستان به سوریه رفته اند. برخی تحلیل گران روس معتقدند که هشتاد درصد از مسلمانان در برخی نقاط روسیه در معرض افراط گرایی هستند؛ به طور کلی، گرایش های افراطی در قفقاز شمالی بیش از

دیگر نقاط روسیه است. مناطق شرقی و مرکزی قفقاز شمالی مثل داغستان، چچن، اینگوشتیا و مناطق استاوروپول، افراطی‌ترین مناطق هستند. در دیگر مناطق روسیه مثل ولگا، اورال جنوبی، و سیبری جنوبی فعالیت‌های افراط‌گرایانه کمتر است. با وجود این، نباید فراموش کرد که دو دهه پیش، گروه‌های این‌چینی، فقط در تاتارستان و سه یا چهار شهر روسیه یافت می‌شدند؛ ولی امروزه رشد چشمگیری داشته‌اند و ممکن است در آینده بیش‌تر شوند (آقا محمدی، ۱۳۹۷).

دین اسلام، نقش تأثیرگذاری در روند شکل‌گیری هویت، مناسبات داخلی و تعاملات بین المللی روسیه ایفا کرده است. هویت فرهنگی، ملی و سیاسی مسلمانان به عنوان بخش از ساکنین همیشگی روسیه در طی تاریخ این کشور تا به امروز عمیقاً تحت تأثیر پیوستگی آنان با حکومت مرکزی بوده است. گذشته از زمان حکمرانی اتحاد جماهیر شوروی سابق، که فشارهای زیادی به مسلمانان و در کل دینداران وارد می‌شد و در نتیجه تلاش‌های مقطعی برای کسب خود مختاری بیشتر از سوی مسلمانان انجام می‌گرفت، در سایر ادوار تاریخی روسیه، ارتباط نزدیکی بین جامعه مسلمان نشین و دولت مرکزی وجود داشته است. علاوه بر آن باید به تأثیر عامل اسلام بر تعاملات سیاست خارجی، تحولات و دورنمای مسائل امنیتی روسیه در دوران شکل‌گیری فدراسیون روسیه و ماهیت روابط این کشور با بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای نیز اشاره نمود. با فروپاشی شوروی، اسلام از هم‌از منظر کمی و هم‌از منظر کیفی توسعه چشمگیری یافت و مسلمانان آزادی‌های مذهبی بیشتری نسبت به گذشته به‌دست آورده‌اند. در این میان، دین اسلام به عنوان دینی با قدمت و ریشه‌های تاریخی کهن و نیز مسلمانان روسیه با جمعیتی قابل توجه در کنار مجموعه عوامل داخلی و خارجی دیگر از قبیل افزایش قدرت کشورهایمانند جمهوری اسلامی ایران در همسایگی روسیه، تحولات خاورمیانه و آسیای مرکزی و رشد رادیکالیسم اسلامی، منظری را پیش روی همگان قرار داده که در آن خواسته یا ناخواسته همه قشرهای مردم روسیه اعم از مقامات، دانشمندان و مردم به اسلام به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در آتیه و سرنوشت روسیه بنگرند. در نتیجه دیدگاه دولت روسیه نیز نسبت به مسلمانان تا حد زیادی تغییر کرده و نه تنها مسلمانان را به عنوان بخش مهمی از شهروندان روسی پذیرفته‌اند، بلکه حتی شاهد سیاست‌های عمل‌گرایانه روسیه در قبال جهان اسلام و به ویژه خاورمیانه و تحولات اخیر آن هستیم. بهبود و گسترش روابط روسیه با جهان اسلام، اهمیت ویژه‌ای در حفظ پرستیژ بین‌المللی و ثبات داخلی برای روسیه خواهد داشت و روابط پویای روسیه با جهان اسلام نه تنها به احیای اقتدار این کشور در صحنه بین‌المللی کمک خواهد کرد، بلکه تا حد

بسیار زیادی مرادوات مسلمانان روسیه با جهان اسلام و تحرکات آنها را تحت کنترل خود خواهد گرفت. برای بررسی موضوع نقش اسلام به عنوان یک فاکتور سیاسی، نباید از نقش مسلمانان و میزان توانایی آنها برای مشارکت در زندگی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی روسیه غفلت کرد. اگرچه بیشتر مسلمانان، از جمله در شمال قفقاز هرگز خواهان جدایی چچن از روسیه نیستند و حتی روحانیون مسلمان بر این عقیده هستند که نه تنها جامعه ارتدوکس بلکه جامعه اسلامی نیز به وجود روسیه نیرومند، باثبات و تجزیه ناپذیر احتیاج دارد اما بی شک خطرات وسیعی از سوی گروه های رادیکالی، می تواند این مناطق را تهدید نماید (Isayev, 2007). اتخاذ سیاست اوراسیایگری در دوران روی کار آمدن پوتین، در پیچه جدیدی را به جایگاه جهان اسلام در سیاست خارجی روسیه گشود. اوراسیایگرایان، برخلاف آتلانتیک گرایان، جهان اسلام را نه یک تهدید، بلکه عرصه ای برای همکاری و نقش آفرینی می دانند. پیامد این رویکرد در سیاست خارجی روسیه افزایش تقابل و مواجهه با غرب و گرایش به سوی کشورهای آسیایی، شرقی و اسلامی بود (کریمی، ۱۳۸۴: ۶۵). لذا در بیست سال اخیر، کشور روسیه به دلایلی چون مقتضیات همسایگی و...، به ارتباط با جوامع مسلمان روی آورده و مسلمانان روسیه، همانند پلی، این کشور را به جهان اسلام و کشورهای عرب پیوند می زنند، به همین دلیل، مسأله اسلام و مسلمانان در سیاست خارجی روسیه، رفته رفته از اهمیت بیشتری برخوردار می- شود (براری، ۱۳۸۸).

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آسیب پذیری امنیتی روسیه نسبت به بنیادگرایی و رادیکالیسم دینی، مهم ترین عامل شکل دهنده به سیاست خارجی و جهت گیری این کشور نسبت به جهان اسلام بود. پوتین، رئیس جمهور روسیه، بسیار هوشمندانه به این نتیجه رسید که اسلام نیرویی تأثیرگذار در آینده دنیا خواهد بود و هر حکومتی در روسیه بدون تعیین نسبت خود با مسلمانان، امکان ادامه حکومت ندارد. اسلام در روسیه در حال گسترش بود و مسکو با جمعیت رو به رشد مسلمانان و مطالبات روز افزون آنها مواجهه بود. لذا پوتین به دنبال تبدیل موضوع اسلام در روسیه از تهدید به فرصت بود و سعی داشت با برقراری روابط اقتصادی و سیاسی با رهبران عرب و تاثیر گذاشتن بر افکار عمومی جوامع عربی مقدمات محبوبیت روسیه در نزد افکار عمومی جوامع عربی را فراهم نماید (فیروز، ۱۳۹۰). ابتکار شخصی ولادیمیر پوتین برای وارد کردن روسیه در سازمان همکاری اسلامی، هم در شکل گیری خودآگاهی مسلمانان روسیه و هم در توسعه همکاری های چند جانبه با کشورهای مسلمان، نقش مهمی داشت (1; Попов, 2018). روسیه، بعد از پیوستن به سازمان کنفرانس

اسلامی به‌عنوان عضو ناظر در سال ۲۰۰۵، اقدامات گسترده ای در جهت توسعه روابط متقابل با جهان اسلام انجام داد. میزبانی روسیه در نشست‌های متعدد جهان اسلام و نیز تاسیس بزرگترین مسجد و مجتمع اسلامی کل اروپا در مسکو به دستور ولادیمیر پوتین، فعالیت آزادانه ادارات دینی مسلمانان و مراکز مطالعات اسلامی، انتشار کتب مختلف در زمینه فلسفه و اندیشه اسلامی و موارد بسیار دیگری، گویای رابطه مسالمت آمیز دولت روسیه با مسلمانان می‌باشد.

روسیه بر اساس تجربه سال‌ها جنگ داخلی با مسلمانان و نتایج برخورد آمریکا با اسلام سیاسی در خاورمیانه، به این نتیجه رسیده است که امنیت آن، در گروی صلح و ثبات در مناطق مسلمان نشین جهان به ویژه خاورمیانه است. بنابراین با توجه به پیوندهای گوناگون آن با این منطقه، هر گونه اختلال در امنیت این مناطق، امنیت روسیه را نیز به خطر می‌اندازد. بنابراین، نگرانی‌های داخلی، از مهم‌ترین علل تلاش روسیه برای نزدیکی به جهان اسلام است؛ از یک سو برای حل و فصل مسائل مسلمانان خود، نیازمند ارتباط مناسب با کشورهای اسلامی است (هانتر، ۱۳۹۱) از سوی دیگر، برای جلوگیری از گسترش افراط‌گرایی اسلامی در داخل و مناطق پیرامونی کشور، باید از تنش با جهان اسلام پرهیز نماید.

۴. تهدیدات و آسیب‌های ناشی از انقلاب‌های عربی برای روسیه

با وقوع خیزش‌های مردمی در سال ۲۰۱۱ و به دنبال آن شکل‌گیری ترتیبات جدیدی در معادلات سیاسی و امنیتی در منطقه خاورمیانه (هارتلند جهان اسلام)، یکی از مسائلی که از زمان آغاز اعتراضات، مورد بحث و بررسی قرار گرفت، آینده روسیه و میزان تاثیرپذیری این کشور از آن بود. از جمله، «میخائیل گورباچف»، آخرین رئیس‌جمهور و رهبر حزب کمونیست شوروی سابق، ضمن انتقاد از وضعیت سیاسی روسیه، روند احیای دموکراسی در این کشور را بسیار کند و ناقص دانست و اعلام کرد که اگر عناصر خودکامگی در حکومت روسیه به همین شکل ادامه یابد، احتمال وقوع حوادثی مثل مصرافزایش خواهد یافت (weir, 2011). به رغم وجود تفاوت‌های عمیق میان سیاست و حکومت روسیه با مصر و تونس، روسیه دست کم به چند دلیل از انقلاب‌های عربی بیم‌ناک بود. این دلایل عبارتند از:

۱. الگو شدن قیام‌های عربی و گسترش آن به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز؛

روسیه به شدت از بروز هرگونه تغییر و تحول غیرمنتظره و غیرقابل پیش بینی در مناطق پیرامونی خود بیمناک است. به خصوص اگر این تغییرات در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز روی دهند، آنگاه بی‌ثباتی و ناپایداری سیاسی در سراسر منطقه گسترش خواهد یافت. چنین امری به هیچ وجه در راستای منافع ملی و امنیتی روسیه محسوب نمی‌شود. در نتیجه با توجه به اینکه احتمال تاثیرگذاری رویدادهای کشورهای عربی بر اوضاع قفقاز و آسیای مرکزی وجود دارد، لذا روس‌ها علاقمند به برقراری ثبات در منطقه خاورمیانه هستند (Ivanov, 2011).

۲. گسترش خیزش‌های اسلامی در خاورمیانه و تاثیر آن بر مسلمانان روسیه به خصوص در

قفقاز شمالی؛

منطقه قفقاز شمالی یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق روسیه محسوب می‌شود که همواره درگیر افراط‌گرایی و تحرکات تروریستی بوده است. مسلماً اگر خیزش اسلامی در خاورمیانه گسترش پیدا کند، آن‌گاه مرزهای جمهوری‌ها و بخش‌های مسلمان‌نشین روسیه را نیز در خواهد نوردید. ظاهراً دغدغه اصلی روس‌ها به احتمال تکرار قیام‌های عربی در منطقه جدایی‌طلب‌چین باز می‌گردد. در واقع روس‌ها از این نگرانی که بحث اسلام‌گرایی در منطقه اوج بگیرد و این امر به قفقاز شمالی نیز سرایت کند. از نظر دولت روسیه، تقویت فضای افراط‌گرایی اسلامی در این منطقه می‌تواند باعث تشدید مشکلات در این کشور و افزایش حملات تروریستی از سوی گروه‌های جدایی‌طلب در قفقاز شمالی شود. نگرانی دیگر روسیه، حاکم شدن جریان‌های اسلامی در خاورمیانه و حمایت احتمالی آنها از مبارزان چچنی به دلیل علقه‌های مذهبی است. از این رو، گسترش بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه و تاثیرپذیری مسلمانان روسیه به خصوص در قفقاز شمالی، یکی از نگرانی‌های مهم مسکو محسوب می‌شود (اطهری و بهمن، ۱۳۹۰). ادامه حملات داعش در سراسر جهان در سال ۲۰۱۵ باعث افزایش نگرانی مقامات روسی شد. آنها معتقد بودند تهدیدهای اصلی تروریستی مربوط به فعالیت گروه‌های مسلح در قفقاز شمالی است و نگران توانایی داعش در تاثیرگذاری بر گروه‌های شورشی داخلی هستند. بسیاری از مسلمانان اهل سنت روسیه در قفقاز شمالی زندگی می‌کنند که از نظر تاریخی صحنه آشوب‌های اسلام‌گرایان ضد روسی است. دو جنگ خونین که مسلمانان را در برابر اسلاوها قرار داده بود در چچن اتفاق افتاده است. داغستان نیز، بخشی از خلافت خودخوانده جهادگران در قفقاز است. امارت کاوکاز یا امارت اسلامی قفقاز، بزرگ‌ترین گروه تروریستی در روسیه، در سال ۲۰۱۵ با داعش، بیعت کردند. برآوردهای رسمی فقط از فدراسیون روسیه، حاکی از

پیوستن ۲۴۰۰ روس به داعش تا سپتامبر ۲۰۱۵ است. در پایان سال ۲۰۱۵، دولت روسیه تخمین زد که ۲۹۰۰ شهروند روسی در سوریه و عراق در کنار داعش می‌جنگیدند (Antúnez, 2016).

۳. تداوم و تسری بهار عربی در منطقه می‌توانست فضایی را ایجاد کند که به وضعیت متوازن موجود در روابط روسیه و کشورهای مسلمان آسیب برساند.

فضای جدید اسلام‌گرایی و نقش قطر، عربستان و ترکیه در تشویق اسلام‌گرایان شرایط را برای آسیب‌پذیری نقش روسیه در مسائل مربوط به مسلمانان در آسیای مرکزی، قفقاز و در حتی در بین ۳۰ میلیون مسلمان ساکن در خود روسیه فراهم کرده بود. از نگاه روس‌ها هم‌پیمانی آمریکا و اسلام‌گرایان عربستانی، ترکیه‌ای و اخوانی و حتی طالبانی می‌تواند فضای عمومی خاورمیانه، مرزهای جنوبی روسیه در آسیای میانه و قفقاز را برای روسیه محدودتر و سخت‌تر کند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۳ - ۴۴).

۵. سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه پس از انقلاب‌های عربی تا سال ۲۰۲۰

۱ - ۵) حمایت از بشار اسد در بحران سوریه

سیاست خارجی روسیه پس از انقلاب‌های عربی، مبتنی بر عدم مداخله در بحران‌های داخلی جهان عرب در کشورهای مصر، تونس، لیبی، یمن و بحرین بوده است اما نگرانی روسیه از تهدیدات ناشی از اسلام‌گرایی افراطی و تروریسم برای امنیت داخلی روسیه، موجب گردید که این کشور با حمایت از رژیم اسد در سوریه، در منطقه خاورمیانه نقش فعال‌تری ایفا نماید (Trenin, 2016: 3).

بنیادگرایی دینی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین تهدیدهای امنیتی داخلی، هویت ملی روسیه را به همان اندازه که تحت تأثیر قرار می‌دهد، تهدید می‌کند (Ermolaeva, 2016: 184). در صورت سقوط دولت قانونی [بشار اسد]، قلمروی روسیه باید به منطقه‌ای برای کنترل سازمان‌های افراطی مذهبی تبدیل می‌شد. پیروزی رادیکال‌ها در سوریه به یک ابزار در دست آمریکا تبدیل می‌شد تا اوضاع آسیای مرکزی و قفقاز را نیز بی‌ثبات کند. بنابراین، روسیه بار دیگر مأموریت خود را به عنوان تأمین‌کننده اصلی امنیت برای جمهوری‌های شوروی سابق و به طور غیرمستقیم برای چین انجام داد. با وجود این واقعیت که چنین مأموریتی برای مسکو دشوار و هزینه‌بر است اما به دلیل نزدیکی جغرافیایی این کشورها به مراکز صنعتی روسیه در سیبری اجتناب‌ناپذیر است (Бордачев, 2021).

۲ - ۵) بهبود روابط با کشورهای اسلامی

رویکرد روسیه نسبت به جهان اسلام به ویژه جوامع مسلمان خاورمیانه، جلوگیری از تأثیر بنیادگرایی اسلامی بر مسلمانان این کشور است. در این راستا، به دنبال بهبود روابط با کشورهای اسلامی برای کاهش تنش با مسلمانان داخل کشور خود است. باید توجه داشت که برخلاف اتحاد شوروی که یک چارچوب سیاسی داخلی با ثبات داشت، روسیه باید بسیاری از تلاش‌هایش را به حفظ انسجام قلمروی خود اختصاص دهد. در این چارچوب، خاورمیانه منبعی خطرناک و بالقوه برای بی‌ثباتی داخلی روسیه (ترس از انتقال نا آرامی‌ها به اقلیت مسلمان روسیه) است. بر این اساس، روسیه روابطش را با کشورهایی مانند اسرائیل، ترکیه و عربستان سعودی که به طور سنتی در سمت غرب بودند را گسترش داده و از سوی دیگر نیز، روابطش با ایران و سوریه را تحکیم بخشیده است (Dannreuther, 2012: 545).

۳ - ۵) برقراری موازنه در روابط با کشورهای مسلمان

روسیه در راستای مقابله با تهدیداتی مانند افراط‌گرایی و تروریسم که می‌تواند مسلمانان روسی و کشورهای همجوار روسیه در آسیای مرکزی را تحت تأثیر قرار دهد، تلاش می‌کند با همه بازیگران خاورمیانه روابط مناسب و دوستانه‌ای داشته باشد، بدون اینکه وارد اتحادها یا ائتلاف‌های پایدار در این منطقه شود و یا در یک طرف درگیری‌های پیچیده آن قرار بگیرد (4: Trenin, 2016)؛ رویکردی که مارک کاتز، کارشناس برجسته مسائل روسیه، از آن به‌عنوان «هنر ایجاد دوستی با هر کسی» یاد کرده است (Katz, 2010). بر این اساس، بعد از شروع بهار عربی از سال ۲۰۱۱ در منطقه و بحران کریمه در سطح بین‌المللی، روسیه یک همکاری چند بعدی با ایران - به ویژه در بحران سوریه - را شروع کرده که اوج این همکاری‌ها از سال ۲۰۱۴ آغاز شد. از سوی دیگر، روسیه همواره همکاری خود را با دیگر بازیگران مهم منطقه، از جمله عربستان سعودی نیز حفظ کرده است؛ چرا که همکاری روسیه با ایران در منطقه، میزانی از نارضایتی و واکنش عربستان سعودی را به وجود آورده است. این امر مسکو را مجبور کرده است تا ارتباط و هماهنگی خود را با برخی کشورهای عربی بیشتر کند و اعتماد و رضایت آنها را جلب نماید. روسیه برای حفظ تعادل و برقراری موازنه در روابط با همه محورهای مهم و دارای منافع، به یک همکاری موقت و موردی با هریک از کشورهای جهان اسلام به ویژه در منطقه خاورمیانه اقدام کرده و این مهم در بسیاری از مواقع، مانع از اتحاد استراتژیک روسیه و ایران با وجود همکاری عمیق و گسترده دو کشور در بحران

سوریه شده است (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۵ - ۱۴۱).

۴ - ۵) حفظ تعادل در ارتباط با کشورهای شیعه و سنی

مسکو هیچ گونه تمایلی به بخشی از یک اردوگاه طرفدار شیعه در مقابل ائتلاف سنی به رهبری شورای همکاری خلیج فارس، ندارد؛ چرا که، این امر امنیت روسیه را که دارای یک جمعیت ۱۵ میلیونی سنی است، به خطر می اندازد... هنگامی که روسیه در حال توسعه همکاری خود با ایران [در سوریه] بود، به طور جدی عوامل شورای همکاری خلیج فارس را نیز در نظر داشت. بدیهی است که مسکو نمی خواهد موقعیت خود را به عنوان متحد کامل ایران جلوه دهد، چرا که نگران روابط خود با عربستان به عنوان رهبر شورای همکاری خلیج فارس است (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۳). مطرح شدن روسیه به عنوان یکی از اعضای ائتلاف "شیعه - ارتدکس" علیه اهل سنت، که اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان آن، سنی مذهب هستند، خطرناک و مضر است (Ярлыкапов, 2016). اتحاد روسیه با ایران، این کشور را به میان رویارویی های شیعه و سنی می کشد و اجازه می دهد نیروهای سیاسی ضد روسی در خاورمیانه، کرملین را به عنوان دشمن جهان سنی به تصویر بکشند. چنین چشم اندازی می تواند به صورت جدی، به امنیت داخلی روسیه که دارای ۱۵ میلیون مسلمان عمدتاً سنی است، لطمه بزند. گروه بندی سلفی در شورای همکاری خلیج فارس از آغاز جنگ داخلی در سوریه، روسیه را به عنوان صلیبیون جدید به تصویر می کشاند. در اکتبر سال ۲۰۱۵، مسکو یک هشدار دریافت کرد که حدود ۵۰ روحانی عربستان، اعلام جهاد علیه مسکو را به امضا رساندند. این یک پس زمینه ایدئولوژیک برای وحدت نیروهای رادیکال در سوریه ایجاد کرده است و برای حامیان اسلام رادیکال در شورای همکاری انگیزه لازم برای حمایت مالی از اسلام گرایان داخل روسیه فراهم می کند. سکوت روسیه در رویارویی دیپلماتیک تهران با ریاض نیز ممکن است تلاش برای بهبود تصویر مسکو در جهان سنی باشد (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۳ - ۱۵۴). بر همین اساس، با توجه به اهمیت ایران و عربستان در سیاست خاورمیانه ای روسیه، این کشور تلاش دارد روابط متوازن خود را با هر دو طرف حفظ کند چنانچه روسیه در خلال بحران سوریه، همزمان با افزایش همکاری با ایران، همواره به دنبال ترتیباتی بوده که بتواند با شریک کردن اعراب سنی در قدرت، ترکیه و عربستان را هم راضی کند. در واقع، برای روسیه در این بحران و در سایر مسائل راهبردی منطقه نیز آنچه اهمیت دارد صرفاً تضمین منافع روسیه است (درآینده و احمدی، ۱۳۹۷: ۸۹). در این چارچوب، مسکو به توسعه روابط با تهران و ریاض به شکل همزمان تمایل دارد. مسکو و ریاض در

سال‌های پس از آغاز مداخله نظامی روسیه در سوریه علیه هم فعالیت می‌کردند، اما بعدها، دو کشور موفق به یافتن زمینه مشترک برای همکاری‌های دوجانبه حتی به صورت محدود شدند. روابط مطلوب و برخورد گرم پوتین با محمد بن سلمان ولیعهد سعودی در اجلاس سران جی ۲۰ در ۲۰۱۸ در آرژانتین، آن هم در زمانی که ولیعهد سعودی به خاطر قتل جمال خاشقجی تحت فشار بین‌المللی قرار داشت، حکایت از این می‌کرد که این دو کشور روابط مطلوبی دارند. مسکو از ماجرای قتل روزنامه‌نگار مذکور برای تلاش برای تحت فشار قرار دادن بن سلمان استفاده نکرد و ژست دوستانه پوتین در واقع با هدف ایجاد یک رابطه پایدار بین دو کشور بود و اجتناب از اعتراضات حقوق بشری عربستان نسبت به وضعیت مسلمانان روسیه بود (Parker and Lynch, 2019: 20). در این راستا، ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۹ و پس از ۱۲ سال برای یک دیدار رسمی به عربستان سفر کرد تا با مقام‌های عربستان سعودی درباره طیف گسترده‌ای از مسائل از جمله انرژی و آینده اوپک، افزایش حجم تجارت، فروش سلاح، تنش بین تهران و ریاض و مسائل دیگر رایزنی کند. در سفر یک روزه پوتین به عربستان بیش از ۳۰ سند همکاری به ارزش بیش از ۲ میلیارد دلار امضا شد که منشور همکاری بلندمدت کشورهای تولیدکننده نفت از جمله اسناد مهمی بود که به امضای دو طرف رسید (Reuters, 2019). ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه در آستانه سفر خود به عربستان سعودی در مصاحبه‌ای اختصاصی با بخش‌های عربی شبکه‌های تلویزیونی «راشا تودی»، «العربیه» و «اسکای نیوز» تأکید کرد که این کشور هرگز با کشوری، علیه طرف ثالثی دوستی نمی‌کند، روسیه روابط دوجانبه خود را بر اساس تمایلات مثبت توسعه می‌دهد، ولی اتحادی علیه سایر کشورها به وجود نمی‌آورد (President's website, 2019). یوری بارنیت، کارشناس امور سیاسی متخصص در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، در این باره معتقد است: «در سطح بین‌الملل روسیه در حال بهره‌برداری از چپ‌چین است تا به انتقادات در میان اهل تسنن مبنی بر اتحاد مسکو با شیعیان خاتمه دهد. به عنوان مثال تشکیل پلیس چچنی در سوریه بخشی از این راهبرد است» (Hassan, 2019).

نتیجه‌گیری

پس از انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱، روسیه با اتکا به درکی که از جوامع مسلمان داشت، با جهان اسلام وارد تعامل شده و هویت جدید و به تبع آن منافع جدیدی برای خود تعریف کرده است.

در واقع در مورد رویکرد روسیه به جهان اسلام، نکته مهم، توجه به قالب ذهنی و برداشت روسیه از منافع خود در ارتباط با کشورهای اسلامی است. در این چارچوب است که می توان رویکرد روسیه در قبال جهان اسلام را با نظریه سازه انگاری به عنوان یک فرانظریه تبیین نمود. زیرا که سازه انگاری فراتر از تقلیل گرایی واقع گرایان، با نگاهی جامع تر به محیط بین الملل نگرسته و ضعف های نظریه های قبلی را جبران نموده و در نهایت تصویری واقعی تر از الگوهای رفتاری دولت ها در عرصه بین الملل ارائه دهد. این نظریه صرفا بر عناصر مادی قدرت تمرکز نکرده و بر اهمیت انگاره ها، قواعد و هنجارها صحه می گذارد. سازه انگاران بر این عقیده اند، زمانی که تعاملات دولت ها مورد بررسی قرار می گیرد، نمی توان صرفا بر ساختارهای مادی، رفتارها و تعاملات عقلانی و منافع ثابت و از پیش تعیین شده تمرکز کرد و بهتر است در کنار این عوامل، به هویت و هنجارها نیز توجه شود. بر این اساس، راهبرد سیاست خارجی روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، به ویژه در دوران پوتین را نمی توان فقط با تکیه بر نظریه های اثبات گرا که اتکایشان توجه به مسائل مادی در شکل گیری منافع ملی و کنش خارجی کشورهاست، تجزیه و تحلیل کرد. در این دوران، هویت روسیه به عنوان عاملی مهم در تکوین منافع و سیاست خارجی این کشور نقش داشته است. روسیه با تهدید تلقی کردن مسائل برخی مناطق جهان اسلام از جمله خاورمیانه و در راستای جلوگیری از خطر نفوذ اسلام گرایان افراطی از این منطقه به داخل خاک این کشور و مناطق مجاور خود، سیاست متوازنی نسبت به جوامع اسلامی اتخاذ کرده است. بر این اساس، روسیه با اقدام نظامی در سوریه، سعی کرد محور ایران، سوریه، عراق و حزب الله لبنان را در برابر جریان های حامی غرب در خاورمیانه تقویت و از این رهگذر، توان اثرگذاری خود در معادلات منطقه ای را حفظ کند. روسیه توانسته است همزمان با حفظ مناسبات با تهران و ریاض، به مدیریت تعارض موجود در روابط آنها در راستای منافع منطقه ای خود بپردازد. بر همین مبنا در طول دهه های گذشته، به ویژه از زمان قدرت یابی پوتین، مسکو سعی کرده تا مناسبات سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی خود را با اکثر کشورها از جمله تهران و ریاض، که دارای تعارض منافع هستند، در قالب نوعی روابط متوازن توسعه بخشد. به عبارتی، همان گونه که توسعه روابط با کشورهای مخالف آمریکا نظیر ایران و سوریه برای روسیه واجد اهمیت بوده است، برقراری مناسبات با دول محافظه کار و متحدان سنتی آمریکا در خاورمیانه مانند عربستان نیز از اولویت ویژه ای در سیاست خارجی آن کشور برخوردار می باشد. روابط نزدیک مسکو - تهران به معنای فاصله گرفتن کرملین از ریاض و خصومت ورزی با عربستان نیست. بلکه سیاست روسیه به

نحوی تنظیم می‌گردد که ضمن همکاری نزدیک با ایران در حوزه‌هایی مانند بحران سوریه و متقابلاً نادیده گرفتن خواست رهبران سعودی در رابطه با این مسائل، در حوزه‌ها و موضوعات دیگری نظیر رادیکالیسم اسلامی، این کشور سعی کرده تا همکاری و مشارکت تنگاتنگی با سعودی‌ها داشته باشد. بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که تهدید ظهور افراط‌گرایی اسلامی در داخل خاک روسیه و موج روز افزون ملحق شدن برخی از اتباع این کشور به آن، روسیه را ناگزیر از برقراری سیاست متوازن در قبال کشورهای اسلامی شیعه و سنی مذهب و به طور مشخص ایران و عربستان، در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ نموده است. مزایای چنین سناریویی در دنیای ناپایدار امروز، یک برد خاص برای روسیه خواهد بود که عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد با بالاترین نسبت مسلمانان ساکن در مرزهای خود است و از این ظرفیت می‌تواند در راستای ایجاد روابط قوی با جهان اسلام استفاده کند.

- ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف»، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، ۹ (۳۳)، صص ۹-۵۴.
- اطهری، سید اسدالله و بهمن، شعیب (۱۳۹۰). «روسیه و خاورمیانه جدید، راهبردها و چالش ها»، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دوره ۴، شماره ۱۷، زمستان، صص ۳۳-۶۴.
- آقامحمدی، مرتضی (۱۳۹۷). «درآمدی بر علل افزایش افراط‌گرایی در میان مسلمانان روسیه»، مجله سراج منیر، شماره ۲۷، اسفند ماه.
- براری، خدایار (۱۳۸۸). «مسلمانان روسیه، پلی به جهان اسلام»، دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا، شماره ۲۵، مهر و آبان.
- درآینده، روح الله و احمدی، حمید (۱۳۹۷). «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان، صص ۶۹-۹۵.
- فرشادگهر، ناصر؛ قائمی، یاسر و جمور، لیلا (۱۳۹۶). «واکاوی روابط روسیه و جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بحران سوریه»، دوفصلنامه سیاست و روابط بین الملل، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۳۹-۱۶۵.
- فیروز، احسان (۱۳۹۰). «تحولات سیاست خارجی روسیه پس از جنگ سرد و تاثیر آن بر خاورمیانه»، سیاست ما.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۴). نظریه ها و رویکردها در روابط بین الملل، تهران: سمت.
- کریمی، جهانگیر (۱۳۸۴). تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مسئله غرب، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- کولایی، الهه (تابستان ۱۳۷۶). «تحول در سیاست خاورمیانه ای روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره ۱۸.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، چاپ ششم، تهران: سمت.
- هانتر، شیرین و دیگران (۱۳۹۱). اسلام در روسیه؛ سیاست های هویتی و امنیتی، ترجمه الهه کولایی و دیگران، تهران: نشر نی.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.

یمیلیانوا، گ.ام (۱۳۷۶). «روسیه و اسلام؛ تاریخ و چشم انداز روابط»، ترجمه معصومه جمشیدی، فصلنامه

تخصصی تاریخ معاصر ایران، سال ۱، شماره ۱، بهار، صص ۹۱-۱۰۶.

Amaliah Team (2019), Islam in Russia: Home to 25 Million Muslims, Amaliah Team, March 14.

Antúnez, Juan Carlos (2016). Islam in Russia: Challenge or Opportunity?, Estudios Globales, <https://global-strategy.org/islam-in-russia-challenge-or-opportunity/>, 06/11/2016.

Dannreuther, Ronald (2012), "Russia and the Middle East: a Cold War Paradigm?", Europe-Asia Studies, Vol. 64, No. 3, pp. 543-560.

Ermolaeva, Olga (2016). "An analysis of identity-based and security-oriented Russian foreign policy in relation to Syria". PhD thesis, Middlesex University.

Fearon, James and Alexander Wendt (2005), "Rationalism v. Constructivism: a Skeptical View", in: Walter Carlsnaes, Thomas Risse and Beth A. Simmons (ed.), Handbook of International Relations, London: Sage, pp. 52-72.

Hassan Hassan (2019) Moscow's Little-Noticed Islamic-Outreach Effort, The Atlantic, January 5.

Hunter, Siren with Jeffrey Thomas and Alexander Melikishvili, (2004), Islam in Russia: the Politics of Identity and Security, London: Routledge.

Hopf, T. (1998), "The Promise of Constructivism in International Relations Theory", International Security, Vol. 23, No. 1, pp. 171-200.

Isayev, Ruslan (2007), Russia: The role of religion in the Chechen conflict, Prague Watchdog, May 27.

Ivanov. Eugene, (15 March 2011), consequences of the "arab uprising", Russia Beyond the Headlines (<http://rbth.ru>).

Karadere, Mervener Lüleci (January 26, 2017). Russia and the Region's Muslims: A History of Relations, https://insamer.com/en/russia-and-the-regions-muslims-a-history-of-relations_1056.html.

Katz, Mark (April 2010). Russia's Greater Middle East Policy or the Art of Making Friends with Everybody, IFRI Center Russia/NNG.

Khlebnikov, Alexey (27 August 2019). "Assessing Russia's Middle East Policy After the Arab Uprisings: Prospects and Limitations", Russia in the Changing International System, pp 225-243.

Kozhanov, Nikolay (February 2018), "Russian Policy Across the Middle East", Russian and Eurasia Programme, Available at: <http://www.chathamhouse.org>.

Meyer, M.S (2018). " Russia and the Islamic World", Russian Studies in History, Vol 57, No 2, pp 103-124.

- Parker, John and Lynch, Thomas (2019). *Russia and Saudi Arabia: Old Disenchantments, New Challenges*, Center for Strategic Research Institute for National Strategic Studies, National Defense University, Strategic Perspective 35.
- President's website (2019) Interview with Al Arabiya, Sky News Arabia and RT Arabic, October 13, <http://en.kremlin.ru/events/president/news/61792>.
- Reuters (2019) Russia and Saudis to talk oil, \$2 billion of deals during Putin visit, October 10.
- Service ,Robert (2017), "Russia and Its Islamic World: From the Mongol Conquest to The Syrian Military Intervention", Available at: <https://www.Amazon.com/dp.0817920846>.
- Service, Robert (2018). "Russia and the World of Islam: within and without", HooverInstitution,StanfordUniversity,p1-16.
- Souleimanov, Emil Aslan & Petrtylova, Katarina (Fall 2017) "Russia's Policy toward the Islamic State" Middle East Policy Council. Available at: <http://www.mepc.org/russias-policy-toward-islamic-state>.
- The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (7 December 2017), "Press release on Russian-Saudi Consultations on Counterterrorism Issues", Available at: http://www.mid.ru/en/foreign_policy/new.
- Trenin, Dmitri (2016), *Moscow's Objectives, Priorities & Policy Driven*, Carnegie Endowment for International Peace, pp 3-25.
- Waltz, Kenneth (1979), *Theory of International Politics*, New York: McGraw-Hill.
- Weir. Fred (22 February 2011), Medvedev rebuffs Gorbachev's warning of 'Egyptian scenario' in Russia. Who's right?, The Christian Science Monitor.
- Without name (30 August, 2012). " Islam is inseparable part of Russia's society and culture – Putin", news channel RT, Available from: <https://www.rt.com/russia/islam-inseparable-russias-society-915/>, [Accessed 9 March 2021].
- Weir, Fred (4 May 2018), "As Israel-Iran rivalry burns, Russia's Tehran ties may get singed", Available at : <https://www.csmonitor.com>.
- Wendt, Alexander (1999), *Social Theory of International Politics*, Cambridge, New York and Port Melbourne: Cambridge University Press.
- Yakış ,Yaşar (2019), "Russia consolidates its ties with the Islamic world", Available at: https://ahvalnews.com/russia/russia-consolidates-its-ties-islamic-world?language_content_entity=en, Dec 20 2019.
- Бордачѳв, Тимофѳй (2021). " Россия на Ближнем Востоке: десять лет после арабской весны", Международного дискуссионного клуба

Валдай, <https://ru.valdaiclub.com/a/highlights/desyat-let-posle-arabskoj-vesny/>.

Попов, Вениамин (2018), " Россия и исламский мир", Газета Войны и Армии Интернет-версия, Доступна с: https://www.ng.ru/armies/2018-08-07/8_7283_islam.html (06.09.2020).

Ярлыкапов, Ахмет (2016). " Российский ислам в контексте ситуации на Ближнем Востоке", журнале Россия в глобальной политике, Доступна с: <https://globalaffairs.ru/articles/rossijskij-islam-v-kontekste-situaczii-na-blizhnem-vostoke/>.